

[View the original article](#)

فراتر از خبر

چرا آمریکا می‌گوید نمی‌داند چه کسی در ایران تصمیم‌گیر است؟

سعید جعفری

۲۰/مهر/۱۴۰۵



تصویر علی خامنه‌ای، رهبر کشته‌شده جمهوری اسلامی، در یک مراسم حکومتی در کرج

جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در مصاحبه اخیرش با خبرگزاری رویترز از رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ایران به‌عنوان طرف‌های گفت‌وگو با ایالات متحده نام برد، اما وقتی صحبت به تصمیم‌گیری در تهران رسید، گفت سازوکار آن برای واشینگتن کاملاً روشن نیست. او شکست تفاهم پیشین را هم به وجود کسانی نسبت داد که در تهران به دنبال برهم زدن آن بودند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، نیز روز ششم اکتبر، پس از اشاره به کشته‌شدن رهبران ایران، گفت کسی نمی‌داند چه فردی این کشور را اداره می‌کند. در تهران، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، پیش‌تر چنین ادعایی را رد کرده و گفته بود ایالات متحده هم طرف ایرانی را می‌شناسد و هم می‌داند تصمیم‌ها چگونه گرفته می‌شوند.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که تبادل پیام میان دو کشور از طریق میانجی‌ها ادامه داشته است. برای طرفی که پیام می‌فرستد و پاسخ می‌گیرد، چه چیزی درباره تصمیم‌گیری در تهران نامعلوم مانده است؟ آیا تغییرات ساختار قدرت پس از علی خامنه‌ای شناخت طرف ایرانی را دشوارتر کرده، یا واشینگتن با این زبان می‌کوشد مسئولیت نتیجه ندادن احتمالی مذاکرات را متوجه تهران کند؟

بیشتر در این باره:

جنگ، توافق یا ادامه بن‌بست؟ سناریوهای پیش روی ایران و آمریکا



ابهام درباره طرف مذاکره یا اختیار او

جی‌دی ونس می‌گوید مقام‌هایی که ایالات متحده با آن‌ها در تهران طرف است مشخص هستند اما تردیدها درباره چگونگی رسیدن به تصمیم و امکان اجرای آن از سوی جمهوری اسلامی است؛ موضوعی که مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، نیز در اظهارات سپتامبر خود به آن پرداخته بود.

روبیو در توصیف وضعیت در جمهوری اسلامی بین نمایندگان دولت و بخش دیگری از قدرت که او آن‌ها را «متعهد به انقلاب» توصیف کرد، تمایز قائل شد. وزیر خارجه ایالات متحده همچنین اضافه کرد که ممکن است با مقام‌های دولت جمهوری اسلامی بر سر موضوعاتی توافق شود، اما تصمیم باید برای تأیید به مراکز دیگر قدرت بازگردد. روبیو همچنین مسئولیت از بین رفتن تفاهم قبلی را متوجه سپاه دانست.

این در حالیست که در ماه‌های قبل مقام‌های آمریکایی کمتر از این موضوع گلایه می‌کردند و به نظر می‌رسد با تغییر شرایط در وضعیت مذاکره و همچنین تحلیل و ارزیابی‌ها در تهران و واشینگتن چنین روایتی بیش از قبل شنیده می‌شود.

در ماه ژوئن، ونس با اطمینان بیشتری درباره دامنۀ ارتباطات آمریکا در ایران صحبت می‌کرد. او در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفته بود واشینگتن با طیف‌های مختلف ساختار قدرت در ایران، از سپاه تا رهبری سیاسی، در تماس است؛ اما در اظهارات اخیر معاون رئیس‌جمهور آمریکا، تجربه شکست تفاهم و نگرانی از اجرای تعهدها برجسته‌تر شده است.

هرچند از مقایسه این دو مقطع بدون در نظر گرفتن تغییر شرایط نمی‌توان درباره ارزیابی حقیقی ایالات متحده حکم صادر کرد اما به نظر می‌رسد این مسئله ابعاد و پیچیدگی‌های دیگری هم داشته باشد که شاید کمتر به آن توجه شده باشد.

حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر ارشد ایران در گروه بین‌المللی بحران، در گفت‌وگو با رادیو فردا به دشواری‌های شناخت ساختار فعلی ایران نزد مقام‌های آمریکایی اشاره می‌کند و می‌گوید: «به نظر می‌رسد در واشینگتن مقام‌ها با ریزه‌کاری‌های سیستم تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی آشنا نیستند، به‌ویژه این‌که سیستم در حال گذار است».

از زمان کشته شدن علی خامنه‌ای، هنوز رهبر جدید جمهوری اسلامی در انظار عمومی حاضر نشده و بر اساس روایت‌های رسمی، مقام‌هایی هم که تاکنون از ملاقات با مجتبی خامنه‌ای خبر داده‌اند بسیار محدود و انگشت‌شمار بوده‌اند. در چنین شرایطی احتمالاً درک بهتر وضعیت نظام تصمیم‌گیری در این حکومت هم دشوارتر از قبل می‌شود.

بیشتر در این باره:

چرا جمهوری اسلامی هنوز سقوط نکرده است؟



تصمیم‌گیری پس از علی خامنه‌ای

برای سال‌ها، طرف‌های خارجی در مواجهه با جمهوری اسلامی با ساختاری سروکار داشتند که در آن، اختلاف میان نهادها و مقام‌ها سرانجام باید به تصمیم رهبر می‌رسید. در آن دوره هم مذاکره‌کنندگان اختیار نامحدود نداشتند، اما جایگاه مرجع نهایی تصمیم‌گیری روشن‌تر بود.

آقای عزیزی معتقد است همین تجربه هنوز بر نگاه سیاسی غرب اثر دارد. او می‌گوید: «به نظر می‌رسد به طور کلی در سطح سیاسی در غرب، به سیستم بعد از علی خامنه‌ای هنوز با لنز دوران علی خامنه‌ای نگاه می‌شود. سیستمی که قبلاً تا حد زیادی سلسله‌مراتبی بود که در آن رهبر در جایگاه فصل‌الخطاب قرار داشت حالا تغییر کرده است».

این تحلیلگر مسائل ایران با اشاره به این‌که باید بین نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در جمهوری اسلامی تمایز قائل شد، می‌افزاید: «در جمهوری اسلامی نهادهایی تصمیم‌ساز داشتیم مثل دولت و شورای عالی امنیت ملی که در نهایت باید این تصمیمات‌شان نزد رهبر جمهوری اسلامی به مرحله تصمیم‌گیری می‌رسید. اما این شرایط در وضعیت فعلی تغییر کرده و نقش رهبر به یکی از ارکان حکومت در کنار بقیه تبدیل شده که از طریق نمایندگان خود در شورای عالی امنیت ملی اعمال نفوذ می‌کند».

این کارشناس مسائل ایران با اشاره به این‌که ممکن است این وضعیت در آینده تغییر کند اما در عین حال تأکید دارد که به نظر می‌رسد ایالات متحده با وضعیت جدید آشنایی چندانی ندارد.

در اطلاعات علنی درباره دوره مجتبی خامنه‌ای، جزئیات چندانی از نحوه مشارکت او در تصمیم‌ها وجود ندارد. پیام‌هایی به نام او منتشر شده و پزشکیان از دیدار با او سخن گفته است، اما نبود حضور عمومی و محدود بودن اطلاعات، سنجش سهم هر نهاد در تصمیم‌های مهم را دشوار می‌کند.

پزشکیان در مصاحبه با سی‌بی‌اس‌ان تیمی شش‌نفره از نمایندگان نهادهای امنیتی، مجلس و دولت برای هماهنگی تصمیم‌ها خبر داد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز توضیح داد این کمیته زیرمجموعه شورای عالی امنیت ملی و متمرکز بر مذاکرات است. نام همه اعضا و دامنه دقیق اختیارات آن اعلام نشده و در نتیجه تصویر روشنی درخصوص این کمیته وجود ندارد.

در چنین ساختاری، چانه‌زنی میان نهادها ممکن است زمان‌بر باشد و با توجه به نبود یک نیروی بالاتر که دستوراتش برای سایر جریان‌های سیاسی هم جنبه «فصل‌الخطاب» را داشته باشد سبب می‌شود تا بازیگران متعدد امکان کنشگری بیشتری داشته باشند.

عزیزی معتقد است در چنین فضای رقابتی، گاهی در غرب رقابت‌های داخلی به اختلافات غیرقابل سازش در سیاست خارجی تعبیر می‌شوند در حالی که به باور او رسیدن به تصمیم در یک سازوکار اجماعی مستلزم مذاکره میان بازیگران رقیب است.

بیشتر در این باره:

محسن رضایی؛ بازگشت فرمانده «عملیات فریب» و مرد
«هزار اسیر»



زیر سوال بردن انسجام تهران چه فشاری ایجاد می‌کند؟

با وجود دشواری شناخت مناسبات داخلی قدرت، بیان علنی این ابهام نیز می‌تواند در روند مواجهه با ایران اثر بگذارد. وقتی مقام‌های آمریکا توان طرف ایرانی برای تصمیم‌گیری را زیر سوال می‌برند، درباره اعتبار مذاکره‌کنندگان و امکان اعتماد به تعهدهای حکومت هم پیام می‌دهند.

بهنام طالب‌لو، پژوهشگر بنیاد دفاع از دموکراسی، احتمال می‌دهد این زبان بخشی از فشار حساب‌شده واشینگتن علیه ایران باشد. او به رادیو فردا می‌گوید: «من بعید می‌دانم که این یک تاکتیک حساب‌شده از طرف دولتمردان واشینگتن نباشد. فشاری که می‌تواند با اهداف متفاوتی مطرح شده باشد».

آقای طالب‌لو اهداف چنین سیاستی را متنوع می‌داند: از فشار بر ایران برای این‌که مجتبی خامنه‌ای به صورت عمومی حضور پیدا کند تا نمایش این‌که بی‌نظمی در جمهوری اسلامی و روند تصمیم‌گیری‌های این حکومت وجود دارد.

او همچنین استدلال می‌کند که ممکن است این اظهارات با هدف اعمال فشار از زاویه اجتماعی و سیاسی بر حکومت جمهوری اسلامی مطرح شده باشد تا از این طریق انسجام و توان اداره کشور در ایران زیر فشار برود.

بیشتر در این باره:

ایران در جنگ؛ رهبری در سایه، قالیباف در صحنه



ادامه تماس‌ها در کنار تردیدهای علنی

با این حال یکی دیگر از مولفه‌هایی که می‌توان در پس این اظهارات مورد توجه قرار داد، تلاش یک بازیگر برای انداختن مسئولیت شکست بر گردن طرف مقابل است. برخی ناظران، طرح این اظهارات را نشانه‌ای از نزدیک بودن شکست مذاکرات و یا دست‌کم نبود چشم‌اندازی برای توافق در گفت‌وگوها می‌دانند.

آقای عزیزی در این خصوص می‌گوید: «هرگاه چشم‌انداز دستیابی به توافق کم‌رنگ‌تر می‌شود، این صحبت‌ها از طرف آمریکا شنیده می‌شود و این را می‌توان نشانه تلاش برای مقصر معرفی کردن طرف ایرانی دانست».

مقصر جلوه دادن طرف مقابل یکی از تاکتیک‌های متداول در مذاکراتی است که میان دو طرف انجام می‌شود و در طول سال‌های اخیر از مذاکرات منتهی به برجام گرفته تا گفت‌وگوهای سال‌های بعد، هم تهران و هم واشینگتن بر این موضوع تأکید ویژه‌ای داشتند تا پس از شکست احتمالی تلاش‌ها، از دید افکار عمومی خود مقصر شناخته نشوند.

در عین حال در مذاکراتی که طرف‌ها دربارهٔ امتیازها، تضمین‌ها و ترتیب اجرای تعهدات اختلاف دارند، تعلل یا رد یک پیشنهاد ممکن است به خود شروط مربوط باشد و نسبت‌دادن آن به آشفته‌گی ساختار قدرت، بدون اطلاع از محتوای مذاکرات، توضیحی است که باید در کنار احتمال‌های دیگر سنجیده شود.

در نتیجه به نظر می‌رسد اظهارات مقام‌های آمریکایی می‌تواند نشأت گرفته از عوامل مختلف و متعددی باشد که هرچند درباره سهم هیچ‌کدام قطعیتی وجود ندارد اما همه آن‌ها نشان می‌دهند که مسیر حرکت به سمت یک توافق احتمالی تا چه اندازه دشوار و پردست‌انداز است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران